

اطلاقات رضاع

بحث در بررسی اطلاقات رضاع بود. آیا در نشر حرمت با رضاع دلیلی مطلق وجود دارد تا در موارد شک در شرطیت چیزی مرجع باشد یا چنین اطلاقی وجود ندارد؟

این بحث به این مناسبت مطرح شد که در شرطیت حیات زن شیرده، گفته شده بود اصل مقتضی اشتراط است. مرحوم آقای خویی فرمودند این اصل در صورتی تمام است که در باب رضاع اطلاقی وجود نداشته باشد که نافی اشتراط باشد. به همین مناسبت گفتیم باید بررسی کنیم آیا در بحث رضاع، اطلاقی وجود دارد که در صورت شک در اشتراط چیزی در نشر حرمت با آن مرجع قرار گیرد؟ گفتیم روایات «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» نسبت به شرایط رضاع اطلاقی ندارند و صرفاً در مقام بیان این مطلبند که هر آنچه از نسب حرام باشد با رضاع هم حرام می‌شود.

همچنین گفتیم آیه شریفه «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ» نیز اطلاقی مد نظر را ندارد بلکه آیه در مقام بیان این مطلب است که زنی که وظیفه مادری را در شیردهی انجام بدهد مثل مادر است و ازدواج با او حرام است و روایاتی که حد خاصی را برای نشر حرمت مشخص کرده‌اند مثل پانزده مرتبه شیرخوردن یا یک شبانه روز شیر خوردن یا آنچه باعث رویدن گوشت و محکم شدن استخوان بشود با این آیه منافات ندارند. پس مفاد آیه شریفه این است که ازدواج با زنی که وظیفه مادری را در شیردهی انجام می‌دهد حرام است و بعد از شکل‌گیری این مادری، به انضمام «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» عناوین محرم دیگر هم متناسب با عناوین نسبی حرام خواهند شد.

خلاصه آنچه در جلسه قبل گفتیم این بود که مفاد این آیه شریفه چیزی بیش از حرمت ازدواج با زنی که وظیفه مادری را در شیردهی انجام داده است و خواهر رضاعی نیست و انجام وظیفه مادری در شیردهی یا به این است که دو سال بچه را شیر بدهد یا حداقل آنچه که در متعارف مادران متکفل شیردهی می‌شوند مثل یک سال شیر بدهد.

این معنا از برخی روایات هم قابل استفاده است مثل:

عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي يُونُسَ بْنِ نُوحٍ عَنْ حَرِيْزِ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا كَانَ مَجْبُورًا قَالَ قُلْتُ وَ مَا الْمَجْبُورُ قَالَ أُمُّ مَرْبِيَّةٍ أَوْ أُمُّ تُرَيْبِيٍّ أَوْ ظِلٌّ تُسْتَأْجَرُ أَوْ خَادِمٌ تُشْتَرَى أَوْ مَا كَانَ مِثْلَ ذَلِكَ مَوْفُوفًا عَلَيْهِ. (تهذيب الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۲۴)

پس معنای مادر رضاعی که در آیه شریفه موضوع حرمت ازدواج قرار گرفته است کسی است که حداقل آنچه مادران در عرف به بچه شیر می‌دهد را انجام بدهد و یقیناً کسی که یک شبانه روز به بچه شیر بدهد یا مثلاً یک هفته و یک ماه شیر بدهد، کسی نیست که وظیفه مادری در شیردهی را انجام داده باشد تا مادر

رضاعی بر او صادق باشد. لذا آنچه در کلمات برخی فقهاء ذکر شده است که برای این آیه شریفه عموم یا اطلاق تصور کرده‌اند که حتی یک مرتبه شیر دادن هم موجب محرمیت است و لذا روایات دال بر اعتبار ده یا پانزده مرتبه شیردادن را مخصص این آیه شمرده‌اند حرف ناتمامی است.

پس اگر ما بودیم و این آیه شریفه و به ضمیمه روایات «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» می‌گفتیم اگر زنی به بچه‌ای به مقداری شیر بدهد که وظیفه مادر در شیردهی را انجام داده باشد خودش و سایر عناوین متناسب با نسب حرام خواهند شد. و البته آیه به این معنا نسبت به شرایط رضاع در مادر رضاعی اطلاق دارد و لذا روایاتی که شرایطی مثل لزوم تولید از نکاح صحیح و ... مخصص اطلاق این آیه شریفه هستند اما این آیات نسبت به اینکه به تعداد شیردهی و ... اطلاق ندارد لذا اگر ما شک کنیم که در محرمیت با پانزده مرتبه شیردهی یا یک شبانه روز شیر دادن یا انبات لحم و محکم شدن استخوان شرطی معتبر است یا نه، نمی‌توان به اطلاق این آیه تمسک کرد.

با این حال مقصود ما این نیست که معیارهای دیگری که از روایات استفاده می‌شود اعتبار ندارند بلکه مقصود این است که آنچه در قرآن آمده است محرمیت مادر رضاعی است نه غیر آن اما از روایات استفاده می‌شود که غیر از معیار صدق مادر رضاعی، معیارها و ملاکات دیگری برای نشر حرمت با رضاع وجود دارد. یکی پانزده مرتبه شیر خوردن، دیگری یک شبانه روز شیر خوردن و سوم شیر خوردن به مقداری که موجب روپیدن گوشت و محکم شدن استخوان شود. نشر حرمت در این موارد از کتاب استفاده نمی‌شود بلکه از سنت فهمیده می‌شود و در سنت هم به این معنا نیامده است که منظور و مراد از «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ» این ملاکات است بلکه به عنوان ملاکات مستقلی مطرح شده‌اند.

گفتیم در اینجا دو مشکل وجود دارد: یکی چگونگی جمع بین همین روایات تا نتیجه آن وجود سه ملاک مختلف در نشر حرمت با رضاع باشد و دیگری جمع بین آنها و آیه شریفه.

در تبیین مشکل اول گفتیم اگر معیار محکم شدن استخوان و روپیدن گوشت باشد، حتماً با یک شبانه روز شیر خوردن یا پانزده مرتبه شیر خوردن این معیار حاصل نمی‌شود و اگر معیار پانزده مرتبه یا یک شبانه روز است، اشتراط محکم شدن استخوان و روپیدن گوشت لغو خواهد بود چون همیشه در صورت تحقق محکم شدن استخوان و روپیدن گوشت، پانزده مرتبه یا یک شبانه روز شیر خوردن محقق شده است.

و در تبیین مشکل دوم هم گفتیم اگر نشر حرمت با سه معیار دیگر که هر سه قبل از صدق عنوان مادر رضاعی محقق می‌شوند، حاصل می‌شود بیان حرمت مادر رضاعی در آیه شریفه چه وجهی دارد؟ ذکر این عنوان در آیه شریفه لغو است.

ما مشکل اول را این طور حل کردیم که هر سه عنوان، در صورت تحقق موجب نشر حرمت هستند و بین آنها عموم و خصوص من وجه است. در پانزده مرتبه شیر خوردن شرط است که پانزده مرتبه پیاپی باشد که بین آنها بچه هیچ چیزی حتی آب هم نخورد اما در روپیدن گوشت و محکم شدن استخوان چنین چیزی شرط نیست و اگر زن به مقداری به بچه شیر بدهد که استخوان بچه محکم شود و گوشت در بدن او بروید، نشر حرمت می‌شود حتی اگر پیاپی نباشند یا بچه بین آنها چیز دیگری بخورد. در یک شبانه روز هم مهم نیست چند بار بچه شیر بخورد هر چند در آن شرط است که پیاپی باشد و بچه بین آنها چیزی نخورد.

بنابراین استفاده سه معیار مختلف از روایات مشکلی ندارد چون بین این سه عنوان عموم و خصوص من وجه است.

مرحوم صاحب جواهر در ضمن بحث دیگری اشکالی مطرح کرده‌اند که محکم شدن استخوان و رویدن گوشت معیاری نیست که برای مردم قابل تشخیص باشد و لذا نمی‌توان آن را به عنوان معیار برای نشر حرمت قرار داد پس معیار همان پانزده مرتبه شیر خوردن یا یک شبانه روز شیر خوردن است.

خود ایشان از این اشکال دو جواب بیان کرده‌اند:

اول: اینکه ممکن است معیار برای عموم مردم قابل تشخیص نباشد اما اهل خبره می‌توانند آن را تشخیص بدهند.

دوم: این معیار در مدت طولانی قابل تشخیص است. رویدن گوشت و محکم شدن استخوان بچه یا عدم آنها در صورتی که مدت طولانی از زنی شیر بخورد قابل تشخیص است حتی اگر آن شرایط (پیاپی بودن و عدم تخلل تغذیه به چیزی دیگر) رعایت نشده باشد. (جواهر الکلام، جلد ۲۹، صفحه ۲۷۵)

دو روایت دیگر نقل شده‌اند که ممکن است تصور شود با آنچه ما گفتیم منافات دارد:

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ بْنُ ظَرِيفٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَمَّا يُحَرِّمُ مِنَ الرِّضَاعِ قَالَ إِذَا رَضَعَ حَتَّى يَمْتَلِي بَطْنُهُ فَإِنَّ ذَلِكَ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَالدَّمَ وَذَلِكَ الَّذِي يُحَرِّمُ.

عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الرِّضَاعُ الَّذِي يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَالدَّمَ هُوَ الَّذِي يَرْضَعُ حَتَّى يَتَّضَلَعُ وَ يَمْتَلِي وَ يَنْتَهِي نَفْسُهُ.

اما حق این است که این روایات نیز با آنچه گفتیم منافات ندارند چون مفاد آنها این است که بچه باید در هر بار شیر خوردن کامل شیر بخورد و این طور شیر خوردن است که موجب رویدن گوشت است نه اینکه با صرف یک بار این طور شیر خوردن استخوان گوشت رویده می‌شود.

اشکال تنافی بین این سه معیار از زوایه دیگری هم قابل طرح است که در کلام آقای خویی ذکر شده و آن اینکه اگر معیار در رویدن گوشت یا محکم شدن استخوان، نظر دقیق باشد حتی یک بار شیر خوردن هم در رویدن گوشت و محکم شدن استخوان تاثیر دارد پس اعتبار پانزده مرتبه و ... لغو است و اگر معیار نظر عرفی است با پانزده مرتبه یا یک شبانه روز شیر خوردن این اتفاق نمی‌افتد.

جواب ایشان از این اشکال به همان جوابی که ما گفتیم برمی‌گردد. ایشان از این اشکال این طور جواب داده‌اند که معیار رویدن گوشت و محکم شدن استخوان به نظر عرف است اما نسبت بین این عنوان و پانزده مرتبه یا یک شبانه روز شیر خوردن عموم و خصوص من وجه است.

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد عدم تنافی بین جمع مذکور و روایاتی است که در آنها حصر وجود داشت مثل روایت مسعدة بن زیاد و علاء بن رزین و زراره. چرا که حصر این روایات بر اساس روایات دیگری که در آنها معیارهای دیگر ذکر شده‌اند تخصیص می‌خورد.